

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هشتم، شماره ۱۹، بهار ۱۴۰۱، ص ۳۴۴-۳۶۱

بررسی ماهیت و اقسام تغییر جنسیت

محمد مهدی کریمی نیا^۱

یاسین عدالت^۲

علیرضا دستجانی فراهانی^۳

مصطفی عبدالهی کهره^۴

چکیده:

تغییر جنسیت از جمله مباحث مهم است که در نظام های حقوقی مختلف جهان مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در نظام حقوقی اسلام نیز توجه فقها را به خود جلب کرده است، اما برخی از فقها تعریف خاصی از «تغییر جنسیت» اراء نکرده اند، شاید به این دلیل باشد که منظور از تغییر جنسیت همان معنای عرفی آن منظور است، یعنی تبدیل شدن مرد به زن و یا برعکس. تغییر جنسیت به این معنا، یک مفهوم عام و گسترده بوده که می تواند مصادیق مختلف داشته باشد، مثل اصلاح جنسیت، تبدیل شدن خنثی به مرد و یا تبدیل شدن خنثی به زن، تغییر جنسیت در حیوانات و تغییر جنسیت در گیاهان. بنابراین ماهیت و حقیقت «تغییر جنسیت» در فقه، همان

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، ایران، نویسنده مسؤول،

kariminia@quran.ac.ir

۲. دارای مدرک کارشناسی، رشته حقوق، دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، مدرسه عالی قضاوت قم، ایران، طلبه

درس خارج حوزه علمیه قم،

yasin110377@gmail.com

۳. طلبه دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه، دارای مدرک کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا، از مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

قم، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

a. r. d. farahani1371@gmail.com

۴. سطح دو (کارشناسی)، رشته حقوق و قضای اسلامی، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

bdyl50879@gmail.com

واقعیت و حقیقت شناخته در نزد عرف است، که یک فرد مذکر یا مؤنث خودش را به جنس مخالف تبدیل کند، یا از خنثی به مذکر یا از خنثی به مؤنث و یا از مذکر و مؤنث به خنثی تبدیل شود. ضمن این که تغییر جنسیت دارای انواع و مصادیق گوناگون است که بدون شناخت این مصادیق نمی توان حکم فقهی در باره این موضوع نوظهور بیان داشت.

کلیدواژه‌ها: تغییر جنسیت، تبدیل جنسیت، خنثی، دوجنسی، هرمافرودیت، ترنس سکشوال، تراجنسیتی.

مقدمه

تغییر جنسیت، از جمله مباحث مهم و نوظهوری است، که تقریباً در تمام کشورها، جوامع اسلامی و غیراسلامی، مورد بحث و گفت گو بوده است. فقهای اهل سنت، جواز تغییر جنسیت در ترنس ها قبول ندارند و نیز این امر، از نظر کلیسای مسیحی دور نمانده، و از نظر آنان عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت در افراد تراجنسیتی، ممنوع است؛ و این در حالی است که برخی از فقیهان شیعه، و در رأس آنان مرحوم امام خمینی، و با درک کامل از وضعیت اختلال هویت جنسی در بیماران تراجنسیتی، تحت شرایط و ضوابطی، اجازه عمل جراحی، به منظور تغییر جنسیت داده شده است.

امروزه تغییر جنسیت، نه تنها مورد توجه علوم پزشکی، روان شناسی و جامعه شناسی بوده، بلکه از لحاظ فقهی و حقوقی نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در روایات اسلامی نمی توان به طور مستقیم، در باره تغییر جنسیت، مطلب یا موضوعی را یافت. البته برخی مباحث در فقه و روایات اسلامی می تواند به نوعی به این موضوع اشاره داشته باشد؛ مانند: خنثی ها (دوجنسی ها، هرمافرودیت)، مبدل پوش ها، بحث لواط یا هم جنسی بازی دو مرد، مساحقه یا هم جنسی بازی دو زن.

آنچه به اهمیت موضوع «تغییر جنسیت» افزوده است، پیشرفت تکنولوژی و توسعه دانش بشری در حوزه جراحی می باشد، که تغییر جنسیت را راحتتر ساخته است. این امر نه تنها در مورد افراد بیمار جسمی، مثل دو جنسی ها یا افراد خنثی، که در مورد افراد سالم که از نظر ظاهری سالم هستند، نیز صورت می گیرد. از این رو بحث های فقهی و حقوقی در باره حقیقت و ماهیت «تغییر جنسیت» می تواند مکمل مباحث پزشکی و روان پزشکی باشد، که در این تحقیق سعی شده است ماهیت و انواع تغییر جنسیت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم شناسی

برای فهم دقیق حقیقت «تغییر جنسیت» لازم است که مفردات موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مفهوم لغوی تغییر جنسیت

واژه «تغییر جنسیت» از دو کلمه «تغییر» و «جنسیت» تشکیل شده است. «تغییر» در لغت عبارت است از هر گونه تبدیل و جا به جایی که در آن، وضعیت فعلی با وضعیت گذشته، از یک جهت یا چند جهت متفاوت باشد.

(ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۰). «جنس» نیز در لغت، اعم از فارسی و عربی به معنای ماهیتی است که شامل انواع متعددی از حیوان و انسان می‌شود و نیز به معنای کالا و متاع (شی) آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۵۵). جنس به معنای «نر و ماده» معنایی است که در مرحله ثانویه پدید آمده است و گرنه معنای اصلی و اولیه جنس، «نر و ماده» نیست.

«جنسیت» به معنای حالت یا ماهیت جنس است (عمید، حسن، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۷۰۶). هر چند در کتاب‌های لغت «تغییر جنسیت» تعریف نشده است، ولی منظور از آن هر گونه تبدیل و تحول در جنس نر، ماده یا خنثی می‌باشد؛ به گونه‌ای که وضعیت کنونی، با وضعیت گذشته متفاوت باشد (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۱)

معنای فوق، در زبان عربی و فارسی یکسان بوده که به چند مورد آن اشاره می‌شود: در باره معنای تغییر آمده است: «غَبَّرَ الشَّيْءَ: حَوَّلَهُ وَ بَدَّلَهُ بِهِ غَيْرَهُ، جَعَلَهُ غَيْرَ مَا كَانَ» (معلوف، ۱۳۹۳، ۵۶۳). تغییر شی یعنی تحویل و تبدیل آن به یک شی دیگر، یا آن که آن شی را به غیر آن چه هست تبدیل نماید.

در جای دیگر آمده است: «التَّغْيِيرُ هُوَ احْدَاثُ شَيْءٍ لَمْ يَكُنْ قَبْلَهُ»، تغییر عبارت است از ایجاد یک شی به گونه‌ای که قبل از آن چنین نبوده است.

یا در معنای واژه جنس آمده است: «الْجِنْسُ جَمْعُهُ أَجْناس، ماهية تعمّ انواعاً متعدّدة كالجوانية في الانسان، و في الفرس، كلّ ضرب من الشّي فالابل مثلا جنس من البهائم» (لویس معلوف، ۱۰۵) جنس که جمعی آن اجناس است، عبارت است از ماهیتی که انواع متعددی را شامل می‌شود، مثلا حیوانیت به عنوان یک جنس، شامل انسان و اسب می‌شود و نیز به معنای هر نوعی از یک شی می‌باشد، مثلا شتر که یک نوع از حیوانات است.

جنس در زبان فارسی شبیه معنای آن در زبان عربی می‌باشد، یعنی جنس در زبان فارسی شامل انواع متعددی می‌شود، مثل جنس حیوان که شامل انسان و سایر جانداران است. در اصطلاح علم منطق، آن است که شامل انواع نیز می‌شود، و نوع شامل اصناف و صنف شامل افراد است، یعنی همان متاع و کالا که جماع آن اجناس می‌شود (عمید، ج ۱، ۷۰۶).

بنابراین تغییر در لغت، اعم از زین فارسی و عربی عبارت است، از هر گونه تغییر و تبدیل در یک شی، به طوری که وضعیت فعلی آن با وضعیت سابق متفاوت باشد. جنس نیز از معنای عربی آن دور نیفتاده به معنای ماهیتی است که شامل انواع متعددی می‌گردد، مانند ماهیت حیوان که شامل انسان و انواع حیوانات می‌شود، و نیز به معنای متاع و کالا هم آمده است.

۲-۱. مفهوم اصطلاحی تغییر جنسیت

۱-۲-۱. تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی

در اصطلاح پزشکی واژه «تغییر جنسیت» با معنای لغوی و آنچه میان مردم شایع است، تفاوت چندانی نداشته و منظور از آن، تبدیل یا اصلاح آلت تناسلی است به گونه‌ای که جنس زن به مرد و یا برعکس تبدیل گردد، و نیز تبدیل خنثی یا دو جنسی (hermaferodit) به یکی از دو جنس مرد یا زن به معنای تغییر جنسیت است.

می‌توان گفت: هر گونه تبدیل، اصلاح و یا تغییری که در جنس فرد بوجود آید، به گونه‌ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او دارای تفاوت باشد، «تغییر جنسیت» به حساب می‌آید. بنابراین، تغییر جنسیت، با «تغییر کروموزوم‌ها» متفاوت است؛ چه این که، در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی‌کند، بلکه تغییرات یا اصلاحاتی نسبت به ژن یا کروموزوم افراد صورت می‌پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر یا اصلاح ژن‌ها، دگرگونی‌هایی در رفتار، اخلاق و حالات فرد پدید می‌آید، ولی هیچ‌گاه به وضعیت جدید به وجود آمده، اطلاق «تغییر جنسیت» نمی‌شود (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۴).

به عبارت دیگر، تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکان، همراه با «عمل جراحی آلت تناسلی» است، که این امر هم در تغییر جنسیت خنثی‌ها و دو جنسی‌ها صادق است و هم در تغییر جنسیت تراجنسیتی‌ها (transsexualism) جریان دارد، به گونه‌ای که در این افراد، تنها با «عمل جراحی آلت تناسلی» تغییر جنسیت حاصل می‌شود. در واقعیت خارجی هم، تغییر جنسیت با تاریخچه عمل جراحی مدرن پیوند خورده و ارتباط نزدیکی دارد. آن‌گاه که عمل جراحی قلب، کلیه، چشم، معده و مانند آن رایج گشت، چنین پدیده‌ای در «عمل جراحی تغییر آلت تناسلی» هم اتفاق افتاد؛ ولی عمل جراحی در آلت تناسلی بیماران، با یک حساسیت و توجه خاصی همراه بوده است، چه این که با این کار، جنس فرد از مرد بودن یا زن بودن تغییر می‌کرده است. به طور خلاصه، می‌توان گفت که تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی عبارت است از: عمل جراحی در آلت تناسلی، به گونه‌ای که مرد به زن یا زن به مرد تبدیل گردد، و یا فرد خنثی و دو جنسی به جنس مرد یا زن تبدیل گردد، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۴۴).

۲-۲-۱. تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی

فقیهانی که در باره تغییر جنسیت سخن گفته‌اند، معمولاً در باره معنای فقهی آن به طور خاص سخنی بیان نداشته‌اند و در حقیقت منظور آنها از تغییر جنسیت همان معنای لغوی و عرفی آن بوده است. از این رو، آیت الله مشکینی در باره تغییر جنسیت چنین می‌گوید:

«العنوان بمفهوم اللغوی بین و الغرض بیان حکم این یغیر الرجل فیجعل إمره او تغیر المرأه فتجعل رجلا،

(مشکینی، بی تا، ص ۱۵۳)؛

یعنی عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن، روشن و آشکار است و غرض از آن بیان حکم شرعی مردی است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است، و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است.» تنها عده کمی از فقیهان در باره معنای فقهی تغییر جنسیت سخن گفته اند که در زیر به چند مورد آن، اشاره می شود:

آیت الله محمد آصف محسنی در این باره می گوید: «تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل مرد به زن یا برعکس. در مورد اول، یعنی تغییر جنسیت مرد به زن، این گونه است که عضو تناسلی مرد برداشته می شود و به جای آن مهبل قرار داده می شود و نیز پستان ها بزرگ می شود. و در مورد دوم، یعنی تغییر جنسیت زن به مرد، این گونه است که پستان ها با عمل جراحی برداشته می شود و به جای آن آلت تناسلی مردانه قرار داده می شود. همراه با عمل جراحی در هر کدام از موارد فوق، روان درمانی و هورمون درمانی نیز صورت می پذیرد» (محسنی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۱۱).

برخی از فقیهان از تغییر جنسیت به «تبدیل جنسیت» یاد کرده اند، آیت الله سید محمد صدر در این باره می گوید:

«تبدیل جنسیت گاهی از طریق عمل جراحی طبی جدید به وجود می آید، به این که مرد به زن تبدیل شود یا این که زن به مرد تبدیل شود که ما از آن به «تبدیل جنس» یاد کردیم.» (صدر، ۱۴۲۰، ج ۶ ص ۱۳۳) در جای دیگر، ایشان «تبدیل جنسیت» را این گونه تعریف می کند: «منظور ما از تبدیل جنسیت، این است که شخص خودش را از مرد بودن به زن بودن تبدیل کند و یا برعکس» (صدر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۴۲).

به نظر می رسد که عبارت «تغییر جنسیت» در مفهوم اعم و گسترده آن شامل تبدیل خنثی به مرد، یا تبدیل خنثی به زن نیز می شود؛ ولی تعریفی که از فقها ارائه شد، تعریف اخص و محدود آن بود که شامل تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد می شد. از آنجایی که در عمل جراحی پزشکان، گاه افراد دو جنسی (خنثی) به مرد یا زن تبدیل می شوند، باید تعریف فقهی به گونه ای باشد که شامل این قسم از تغییر جنسیت هم بشود. بنابراین، تعریف فقهی بیان شده توسط این تعداد از فقیهان، جامع افراد نیست و تنها شامل بخشی از تغییر جنسیت مرسوم میان پزشکان جراح است. با این توضیح می توان تغییر جنسیت را این گونه تعریف کرد:

«تغییر جنسیت عبارت است از: تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر، یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی.»

البته دو مورد اخیر یعنی: «تبدیل مذکر به خنثی یا تبدیل مؤنث به خنثی» خیلی کم اتفاق می افتد و هیچ انگیزه عقلایی برای این نوع تغییر جنسیت وجود ندارد، (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ص ۷)

تعریفی که از تغییر جنسیت بیان شد، تعریف آن در نوع انسانی بود، اگر بخواهیم تعریفی از تغییر جنسیت

ارائه کنیم که شامل تغییر جنسیت حیوانات و گیاهان هم بشود، تعریف جامع و گسترده تری نیاز است که این دو قسم از تغییر جنسیت را هم در بر بگیرد.

۳-۱. مفهوم خنثی در لغت و اصطلاح

۱-۳-۱. مفهوم لغوی خنثی

خنثی به لحاظ لغوی از واژه «خَنَثَ» به معنای لین، نرمی و ملایمت اخذ شده است و جمع خنثی خُنَاثی و خُنَاث است و به معنای کسی است که هم عضو زنانه دارد و هم عضو مردانه، (معلوف، ۱۳۹۳، ص ۱۹۷).
خنثی گاه به معنای: شبیه بودن و تمایل داشتن به چیزی آمده است، در کتاب القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً چنین آمده است: «مرد کلامش را خنثی کرد، هنگامی گفته می‌شود که سخن خویش را از حیث نرمی و آهسته بودن شبیه زنان سازد»، (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۱۲۴).
در کلام منسوب به رسول خدا (ص) نیز خنثی در مورد مردی که خود را شبیه به زن می‌سازد، استعمال شده است، (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۷۷۰).

خنثی در معنای مجازی آن در زبان فارسی، و شاید در زبان عربی، در مورد کسی یا چیزی به کار می‌رود که خصوصیت نوع خود را به طور آشکار یا فعال ندارد. به عبارت دیگر، با حالتی بدون علاقه به طرفین امری، یا بی تفاوت گاه گفته می‌شود: فلانی طوری رفتار می‌کند که هیچ کس متوجه تمایلاتش نمی‌شود، (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۸۳۱).

۲-۳-۱. مفهوم اصطلاحی خنثی

۱-۲-۳-۱. مفهوم خنثی در اصطلاح فقہی

به تناسب همین معنایی که در لغت برای واژه «خنثی» وجود دارد، در فقه نیز از آن استفاده شده است، بنابراین، معنای خنثی در اصطلاح فقه، به معنای لغوی آن نزدیک است. خنثی در فقه به کسی می‌گویند که نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن است، بلکه به هر دو تمایل دارد، و شاید اساساً به هیچ یک از دو گروه تمایل نداشته باشد.

در توضیح معنای فقہی خنثی، نکات زیر بیان می‌شود: در معنای مشهور فقہی، خنثی کسی است که هم آلت مردانه و آلت زنانه، هر دو را دارد، (مشکینی، بی تا، ص ۲۳۲). صاحب کتاب معجم اصطلاحات فقہی می‌گوید: «خنثی کسی است که در جسم خویش، مذکر بودن و مؤنث بودن را دارا می‌باشد»، (جرجس، ۱۹۹۶، ص ۱۵۴)

وی در توضیح بیشتر در باره خنثی می‌گوید: «در علم گیاه شناسی، خنثی عبارت است از؛ گلی که اعضای مذکر و مؤنث را در بردارد، و در بیشتر موارد، این اصطلاح به شخص خواه مرد یا زن گفته می‌شود که صفات

جنس مخالف را دارا است و از این رو، به او خنثای کاذب گفته می‌شود، (جرجس، ۱۹۹۶، ص ۱۵۴)

معنای فوق، از بسیاری از فقیهان اسلامی بیان شده است. از نظر آنان، «خنثی» یا «دو جنسی» کسی است که هر دو آلت مردانه و زنانه را دارد. علامه حلی در تعریف خنثی می‌گوید:

«خنثی کسی است که دارای دو آلت «مردانه و زنانه» است.» (حلی، ۱۴۱۱، ص ۱۷۷)

وی همچنین در کتاب تحریر الاحکام آورده است: «خنثی کسی است که برای او آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.» (حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۷۴)

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌فرماید: «خنثی به این معناست که برای فردی آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.» (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، مسأله ۱، ص ۳۹۹)

در کتاب القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً آمده است: «خنثی کسی است که دارای هر دو آلت مردانه و زنانه است.» (سعدی، ابوجیب، ۱۴۰۸ ص ۱۲۴)

از نظر این عده از فقیهان اسلامی، اساساً کسی که هیچ کدام از آلت تناسلی مردانه و زنانه را ندارد، داخل در تعریف «خنثی» نیست؛ بلکه به چنین فردی اصطلاحاً «ممسوح» می‌گویند، (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸).

گاه در معنای خنثی گفته می‌شود: خنثی کسی است که یا دارای هر دو آلت تناسلی مردانه است و زنانه است، و یا اساساً فاقد آلت تناسلی مردانه و زنانه است (ممسوح). این معنی، از سوی برخی لغوی ها و عده ای از فقیهان مورد توجه قرار گرفته است. در لغت نامه دهخدا آمده است:

«خنثی آن کسی است که هر دو اندام را دارد، و یا آن که هیچ یک از دو اندام را ندارد؛ نه مرد و نه زن» (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۷، ص ۹۹۷۷).

نیز در تعریف خنثی گفته شده است: «خنثی، کسی است که [هر دو] آلت مردانگی و زنانگی در او هست؛ یا کسی که از سوراخ ادرار می‌کند و آلت مرد و زن را ندارد»، (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۸).

آیت الله سیدمحمد صدر در تعریف خنثی می‌گوید:

«همانا خنثی، انسانی است که دو آلت مردانه و زنانه را در وجود خویش جمع کرده است، یا اینکه دو آلت در او مفقود است»، (صدر، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۳۴).

۱-۲-۳-۲ . مفهوم خنثی در اصطلاح پزشکی

در اصطلاح پزشکی، شخص خنثی به سه گروه، هرمافرودیسیم (hermaferodism) کاذب مذکر، هرمافرودیسیم کاذب مؤنث و هرمافرودیسیم حقیقی تقسیم بندی می‌شود. اعضای داخلی گروه نخست (هرما فرودیسیم کاذب مذکر) مردانه است؛ یعنی این که این اشخاص مردانی هستند که دارای جنس ژنتیک مذکر (XY) بوده و دارای بیضه هستند، اما اعضای خارجی آن‌ها به صورت طبیعی مذکر نبوده، بلکه اعضای بیرونی آنها زنانه و با درجات مختلف ابهام است. وضع هورمونی معمولاً مردانه بوده، ولی به علت کمی نسج بیضه

تغییراتی در آن دیده می شود. ضمناً تست کروماتین این افراد نیز منفی است. اعضای داخلی گروه دوم (هرما فرودیسیم کاذب مؤنث) زنانه است؛ یعنی این که این افراد زنانی هستند که دارای جنس ژنتیک مؤنث (XX) و نیز اعضای داخلی زنانه (تخمدان) هستند، ولی دستگاه تناسلی خارجی آن ها، نمای زنانه طبیعی را ندارد و اعضای خارجی مردانه یا مبهم دارند. از لحاظ هورمونی مؤنث هستند و تست کروماتین آن ها مثبت است. گروه سوم (هرما فرودیسیم حقیقی) به افرادی اطلاق می شود که دارای هر دو گوناد بیضه و تخمدان بوده و هر دو آن ها ممکن است فعال باشند. طرز قرار گرفتن گونادها در مبتلایان، به صورت مختلف گزارش شده است، به طوری که ممکن است تخمدان ها در یک طرف و بیضه ها در طرف دیگر باشد، اما در اغلب بیماران، مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان به صورت (ouotestis) در یک طرف یا در هر دو طرف مشاهده شده است. در هر حال وجود بیضه و تخمدان در فرد مبتلا به هرما فرودیسیم حقیقی، جنسیت بینابینی را مطرح می کند. ممکن است خواص مردی یا زنی رجحان داشته باشد.

۲. اقسام تغییر جنسیت

تغییر جنسیت به معنای تبدیل شدن، فرد مذکر به مؤنث و یا برعکس، دارای انواع می باشد، که در این قسمت به بحث بررسی گرفته می شود.

۲-۱. تغییر جنسیت در افراد سالم

منظور از تغییر جنسیت در افراد سالم این است که افراد بدون این که مشکل خاصی داشت باشند، و از نظر ظاهر، کاملاً مرد یا زن هستند، ولی از روی هوا و هوس و تمایلات زودگذر، خواهان تغییر جنسیت هستند، در این گونه افراد هیچ گونه بیماری جسمی یا روحی وجود نداشته است و برای تغییر جنسیت هیچ گونه توجیه عقلانی وجود ندارد، در عمل پزشکان با این نوع تغییر جنسیت مخالف هستند، و در خارج مصادیق این نوع تغییر جنسیت بسیار اندک است، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۵۷).

از این رو برخی از حقوق دانان تحقق چنین تغییر جنسیت را رد کرده اند: «به نظر می رسد که تغییر جنسیت به معنای دقیق کلمه فرضی بیش نیست، به طوری که کارشناسان پزشکی گفته اند، تغییر جنسیت در افرادی که زن یا مرد کامل هستند و ابهام در آنها مشاهده نمی شود، به هیچ وجه امکان پذیر نیست و فقط در مورد افراد دو جنسیتی که ابهام و اختلال جنسی از نوع ژنتیکی و کروموزومی و نشانه های دیگر از این قبیل دارند، تعیین جنسیت با آزمایش ها و بررسی ها پزشکی و بررسی ها علمی ممکن است، یعنی با این گونه آزمایش ها و بررسی معلوم می شود که مرد یا زن معرفی شده از جنس دگر بوده است» (صفایی، ج ۱، ۴۵).

۲-۲. تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت پنهان

عده‌ای دارای جنسیت پنهان هستند و آن‌چه در ظاهر مشاهده می‌شود، خلاف آن چیزی است که در واقع وجود دارد. تغییر جنسیت در مورد این عده به معنای «کشف جنسیت» است و در واقع تغییر جنسیت یا تبدیل جنسیت صورت نمی‌گیرد. اطلاق اصطلاح «تغییر جنسیت» به این نوع عمل جراحی، صوری و ظاهری است و علت اطلاق آن این است که در جامعه چنین فردی به عنوان «زن» شناخته می‌شده است و پس از عمل به عنوان «مرد» شناخته می‌شود و یا برعکس. چنین رخدادی در هر جامعه‌ای پدید آید، مردم از آن به «تغییر جنسیت» یاد می‌کنند، در حالی که این امر چیزی جز «کشف جنسیت» نیست، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷).

۲-۳. تغییر جنسیت در خنثی یا دوجنسی (هرمافرودیت)

پدیده خنثی، پدیده نوظهور و جدیدی محسوب نمی‌شود. از گذشته تا به حال، جوامع انسانی، کم و بیش با این‌گونه افراد مواجه بوده است. در برخی روایات اسلامی و منابع فقهی، به این‌گونه افراد اشاره شده، و احکام فقهی آنان مانند ارث بیان شده است. می‌توان گفت: بیش‌ترین بحث فقهی این عده در «کتاب ارث» (الموسوی، ۱۳۹۱، ۵۹۳) از کتب فقهی مورد بررسی قرار گرفته است. در جراحی تغییر جنسیت افراد خنثی، یکی از دو آلت تناسلی که ضعیف، کوچک یا غیرمناسب تشخیص داده شده است، حذف و دیگری تقویت و جایگزین می‌شود. در این حالت، بیمار دو جنسی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث تبدیل می‌شود. این نوع تغییر جنسیت‌ها از گذشته تا به حال وجود داشته و اساساً هیچ مخالفی برای آن وجود ندارد؛ چون بیماری آنان محرز و ثابت است و حتی فقیهان اهل سنت که با تغییر جنسیت مخالف هستند، با تغییر جنسیت گروه فوق مخالفتی ندارند، و در واقع تغییر جنسیت به منزله معالجه و خروج شخص خنثی یا دو جنسی از بلا تکلیفی است، (اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ۵۸۰).

در زبان فقه، منظور از ممسوح، شخصی است که نه آلت مردانه داشته باشد نه آلت زنانه، «و الممسوح و هو الذی لیس له شی من فرج الرجال و النساء» (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۲۸).

این عده نیز با عمل جراحی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نزدیک یا تبدیل می‌شوند، در واقع این نوع تغییر در افراد فوق، کشف جنسیت محسوب می‌شود و تعریف فقهی تغییر جنسیت بر آنان صادق نیست، هر چند از نظر لغت و پزشکان چنین عملی نیز تغییر جنسیت به حساب می‌آید، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۵۹).

در عمل جراحی تغییر جنسیت، یکی از دو آلت تناسلی که ضعیف، کوچک یا غیرمناسب تشخیص داده شده است، حذف و دیگری تقویت می‌شود، در این حالت، بیمار دوجنسی به یکی از دو جنس مرد یا زن تبدیل می‌شود. این نوع از تغییر جنسیت‌ها از گذشته تاکنون وجود داشته و اساساً هیچ مخالفی برای آن وجود ندارد، زیرا

بیماری آنها محرز و ثابت است و حتی فقهای اهل سنت که با تغییر جنسیت مخالف هستند با این نوع تغییر جنسیت مخالفت نکرده اند. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۵۸)

۲-۴. تغییر جنسیت در بیماران اختلال هویت جنسی یا تراجنسیتی یا ترنس ها

برخی از بیماران روحی، خود را به جنس مخالف متعلق می‌دانند. در مواردی، این گونه بیماران از طریق روان درمانی یا هورمون درمانی معالجه می‌شوند و شخص بیمار، جنسیت فعلی خویش را پذیرا می‌شود، اما بر اساس شواهد و قرائن و نیز بر اساس گفته های روان پزشکان، در اغلب موارد، این گونه بیماران غیرقابل معالجه هستند که در این صورت، هیچ راهی برای درمان آنان غیر از تغییر جنسیت وجود ندارد. (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۵۹). با تغییر جنسیت، شخص به جنسیتی ملحق می‌شود که در نتیجه آزمایش هایی که توسط پزشک متخصص صورت گرفته، هماهنگی و توافق آن جنس نسبت به بدن و روان شخص بیشتر است. در نتیجه، در این عمل، علائم جنسی بدنی تراجنسیتی (ترانس سکشوال) برداشته می‌شود و برای او علائم مصنوعی جنسیتی ای درست می‌شود که به آن جنس ملحق شده است، (کریمی نیا، ۱۳۹۱، ۲۵)

۲-۴-۱. اقسام تراجنسیتی یا ترنس سکشوال

این اختلال هویت جنسی، هم در مردان و هم در زنان مشاهده می‌شود، با این تفاوت که این بیماری در مردان بیش از زنان است، که در ذیل «ترانس سکشوال مذکر» و «ترانس سکشوال مؤنث» جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۳-۱) ترانس سکشوال مذکر یا ترنس مرد

مردان «ترانس سکشوال» برای ایجاد پستان و سایر انحنای بدنی زنانه از استروژن استفاده می‌کنند، با الکترولیز، موهای مردانه خود را از بین می‌برند و برای برداشتن قضیب و بیضه ها و ایجاد مهبل مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می‌گیرند، (هارولد، ۱۳۷۹، ۳۸۵)

مردان دچار این نوع اختلال جنسی، با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک زن، اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. این قبیل مردان در جامعه به «اواخواهر» معروفند، این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک زن، یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی زنانه از راه مصرف هورمون های زنانه یا جراحی تغییر جنسیت، نشان داده شود.

مردان دچار این اختلال، از اینکه توسط دیگران به عنوان یک مرد در نظر گرفته شوند، یا اعمال شان در جامعه بر اساس جنسیت اصلی آنها «یعنی همان مرد بودن» تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می‌گردند، این

قبیل مردان رفتار، لباس پوشیدن و اطوارگری های زنانه را به درجات مختلف نشان می دهند. برای مثال، آرایش زنانه می کنند و موهای خود را به شکل زنانه در می آورند، موهای صورت و بدن را به وسیله «الکترولیز» یا سایر مواد موبر از بین می برند. سعی می کنند صدای خود را تغییر دهند و با آهنگی زنانه و عشوه گرانه صحبت کنند و بیشتر در پی مشاغل زنانه از جمله آشپزی، دوخت و دوز و منشی گری بر می آیند، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۸۱).

این افراد احتمال دارد به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را صرف مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به یک زن نمایند. لازم به توضیح است که رفتار مبدل پوشی این افراد به منظور کسب لذت انجام نمی شود. «آن گونه که در مبدل پوشی انجام می شود». و از سوی دیگر، این قبیل بیماران برخلاف مبدل پوشان جنسی، آلت تناسلی خود را به عنوان یک منبع لذت نگاه نمی کنند، بلکه از آن انزجار دارند و مُصرانه خواستار آنند که با عمل جراحی، بیضه ها و قضیب آنها برداشته شود. بسیاری از مردان دچار نارضایتی جنسیتی، از وضع ناجور خود در رنجند، به گونه ای که ابتلا به افسردگی در آنان شایع است و ویژگی های شخصیتی هم چون خودمدار بودن، پرتوقعی و توجه طلبی را از خود نشان می دهند. برخی از پژوهش ها، عنوان شده است که تقریباً یک سوم این افراد ازدواج می کنند و نیمی از این ازدواج ها به طلاق می انجامد. همچنین سابقه اقدام به خودکشی در تعداد قابل توجهی از آنان (تقریباً ۱۶ درصد) گزارش شده است، (نیکخو، ۱۳۸۰، ۲۱۳-۲۱۹).

مردان دچار نارضایتی جنسیتی معمولاً از پزشک یا درمان گر خود انتظار دارند که اندام تناسلی و پستان های آنها را به شکل زنان در آورد. از این رو، نخستین درخواست آنان از پزشکان، تجویز استروژن برای بزرگ شدن پستان های شان است، و به دنبال این تقاضا، خواستار انجام عمل جراحی روی پستان ها، اخته کردن، قطع آلت تناسلی مردانه و حتی ایجاد یک اندام تناسلی زنانه می شوند. لازم به ذکر است که چنین تقاضاهایی را باید جدی گرفت؛ زیرا در اغلب موارد، طرح چنین درخواست هایی با توسل به تهدید و خودکشی و یا قطع عضو همراه است، بعضی از این بیماران اقدام به اخته کردن خود نموده و چنین وانمود می کنند که آسیب تصادفی بوده است، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۸۲).

داستان و شرح حال زندگی مردی از زبان خودش که به بیماری اختلال هویت جنسی مبتلا بوده است، بدین صورت است که اولین علایم روحی یا دوجنسی بودن و عدم تلفیق جسم و روح در سنین کودکی به گواهی مادر و اطرافیانم بدین صورت بروز کرده که با گچ و وسایل دیگر، صورت خود را آرایش کرده و لباس پسرانه را از تن بیرون می کردم و درخواست لباس دخترانه (دامن، ...) تا سن ۱۷-۱۸ سالگی می

کردم که فکر می‌کردم من تنها در دنیا دارای چنین وضعیت نابهنجاری هستم روحیه ای کاملاً زنانه داشتم و جسمی مردانه و همیشه در آرزوی معجزه ای بودم که جسمم هم مانند روحم به یک زن تبدیل شود و تمام رؤیایها و خواسته‌ها و رفتارهایم و سایر اعمال حسی و حرکتی و ... مثل یک زن بوده است. خانواده ام به این خاطر، چندین بار مرا به دکتر بردند. بعد از سنین بلوغ که اولین حس عاطفی «عاشق شدن» را تجربه کردم، نسبت به یک پسر همسایه، وی چند سال از من بزرگتر بود که می‌دانستم این عشق ممنوع است، در سن ۱۴ سالگی بنا به اتفاق در یک بیمارستان با دکتری که مشکل بیماری مرا می‌دانست برخورد کردم که به من بفهماند من یک بیماری دوجنس روحی دارم و در چه وضعیتی هستم و باید از خودم مراقبت کنم و دنبال عمل تغییرجنسیت باشم و نباید بگذارم به خاطر یکسری ارضای مسایل عاطفی، جسمم را وسیله قرار بدهم، که بعد از مدتی دچار بیماری خاص انحراف جنسی خواهم شد و این خود برایم بزرگترین درس و شانس بود. بعدها در سن ۱۸ سالگی وارد شغلی شدم که آنها نیز به رفتار غیرعادی و بیماری ام پی بردند که به مرکز بهداشت معرفی ام کردند از آن زمان «سال ۵۴-۵۳» درمان من شروع شد که به خرج خودم و برای ادامه معالجات به خارج کشور فرستادند، ولی چون مسأله شرعی و عقیدتی این بیماری برایم مهم بود از چند مرجع سؤال کردم و آنها با سؤال و جواب‌ها و آزمایشاتی، تکلیف یک زن را بر من واجب کردند، اما به خاطر مشکلات محیطی و خانوادگی و مالی در قبل از انقلاب نتوانستم تغییرجنسیت بدهم، ولی به حجاب در آمدم که این خود باعث شد پدرم به طور کلی مرا طرد کرده و مادرم به اجبار با من شروع به زندگی کرد. هم او کار می‌کرد و هم من. بعد از انقلاب و از سال ۶۱-۱۳۶۰ش، تا سال ۶۴-۱۳۶۳ش. درگیر مشکلات محیطی بعد از انقلاب بودم و زجر می‌کشیدم. مرا از حجاب بیرون آوردند و چون از سال ۵۵-۵۴ بنا به پیشنهاد و تجویز پزشک معالج هورمون مصرف می‌کردم، دوباره در لباس مردانه محصور بودم در سال ۶۵-۱۳۶۴ش. بنا به فتوای مرحوم حضرت امام خمینی دوباره به حجاب در آمدم و شروع به فعالیت اجتماعی در همین مورد نموده و چون می‌دانستم این جراحی در ایران موفقیت آمیز نیست و نیز از آنجایی که جراحی تغییرجنسیت برای اولین بار در تاریخ ایران رسماً و قانوناً حل شده بود، به یکی از کشورهای خارجی که در آنجا سابقه نیز داشتم رفته و در آنجا عمل کردم. من یک پدیده و آفرینش ویژه هستم و با راهنمایی قرآن کریم (سوره طه، آیه ۵۰) دوباره ازدواج کرده ام. الان در لباس و حجاب زنانه هستم و تکلیفات واجب یک زن را رعایت می‌کنم و هیچ وقت در بدترین شرایط اجتماعی خصوصی از وضعیت نابسامان خود پشیمان نبودم، (کاهانی، ۱۳۸۱، ۷۴-۷۵).

۲-۱-۳) ترانس سکشوال مؤنث

زن های «ترانس سکشوال» پستان های خود را سفت می بندند، یا به ماستکتومی دو طرفه، هیستریکتومی، برداشتن تخمدان ها متوسل می شوند. برای ایجاد توده عضلانی مردانه و کلفت کردن صدا تستسترون مصرف می کنند، و به قصد ایجاد آلت تناسلی مردانه مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می گیرند. این اعمال ممکن است شخص را از جنس مقابل تفکیک ناپذیر سازد، (هارولد، همان، ۳۸۵).

زنان دچار این اختلال با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک مرد اشتغال ذهنی پیدا می کنند. این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک مرد یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی مردانه از راه مصرف هورمون های مردانه یا جراحی تغییرجنسیت، نشان داده شود زنان دچار این اختلال، از این که توسط دیگران به عنوان یک زن در نظر گرفته شوند، یا اعمال شان در جامعه براساس جنسیت اصلی آنها (یعنی همان زن بودن) تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می گردند. دختران دچار «اختلال هویت جنسی» در مقابل انتظارات یا تلاش های والدین برای پوشیدن لباس ها یا سایر آرایش های زنانه، واکنش منفی شدیدی نشان می دهند. برخی ممکن است از رفتن به مدرسه یا شرکت در نشست های اجتماعی که مستلزم پوشیدن لباس دخترانه یا زنانه است، اجتناب کنند. آنها پوشش و موی کوتاه پسرانه را ترجیح می دهند. اغلب از سوی غریبه ها به جای پسران اشتباه گرفته می شوند و ممکن است درخواست کنند تا آنها را با یک نام پسرانه صدا بزنند. قهرمانان خیالی شان اغلب مردان ستبر تن مانند حسین رضازاده و یا قهرمانان فوتبال هم چون علی دایی هستند. آنها علاقه ای به عروسک ها یا هر شکل از اسباب بازی با پوشش زنانه یا فعالیت های مربوط به ایفای نقش زنانه نشان نمی دهند. دختران دچار این اختلال، ممکن است گاهی از ادرار کردن در وضعیت نشسته پرهیز کنند. احتمال دارد ادعا کنند که دارای آلت تناسلی مذکر هستند، یا این آلت در آنها رشد خواهد کرد و بالاخره هم چون مردان خواهند شد. آنها ممکن است خواهان عدم رشد پستانها یا بروز قاعدگی باشند. این قبیل دختران معمولاً در ایفای نقش، رؤیایها و خیال پردازی هایشان، هویت جنسی مخالف را به شکل آشکاری نشان می دهند. زنان بزرگسال که دچار اختلال هویت جنسی هستند، ممکن است به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را برای مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به شکل جنسی مخالف صرف کنند. این عده می کوشند تا در جمع، به صورت یک مرد ظاهر شوند. پریشانی یا آشفتگی روانی در مبتلایان به اختلال هویت جنسی، در سراسر دوره زندگی به گونه ای متفاوت ظاهر می شود، در کودکان به صورت ابراز ناخشنودی از جنسیت خویش جلوه گر می شود و ممکن است به دلیل تمسخر یا فشار برای پوشیدن لباس دخترانه، از رفتن به مدرسه خود داری کنند. در نوجوانان و بزرگسالان، اشتغال ذهنی با آرزوهای اتخاذ هویت جنسی مردانه، اغلب با فعالیت های عادی تداخل می کند و موجب افت تحصیلی یا کارکرد شغلی و سرانجام موجب ابتلا به افسردگی و اضطراب می شود، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۸۶).

در این مورد می شود از خانمی چهل ساله که به بیماری « اختلال هویت جنسی » مبتلا شده بود، نام برد. این خانم در خانواده ای به دنیا آمد که با وجود کثرت اولاد، همه فرزندان دختر بوده و پدر و مادر دیوانه وار مشتاق داشتن فرزند پسری بودند. هنگام تولد او پدر با دیدن نوزاد دختر دیگر، خانواده را ترک گفت و مادر نیز که در اشتیاق پسری بود نامی مردانه برای دخترش انتخاب کرد. پدر پس از چندی که به خانه بازگشت، برای دخترش شناسنامه ای با نام دخترانه گرفت، درحالی که افراد خانواده دختر را به نام پسرانه ای صدا می زدند و به او البسه پسرانه می پوشانیدند و موی او را مانند پسران کوتاه کرده و وی را وادار به حرکاتی می کردند که از پسران سر می زد. تعلیم و تربیت غلط کار را به جایی رساند که از کودکی در محیط خانوادگی مشتاق فرزند مذکر، او خود را مانند پسری تصور کرده و بر خواهران خود حکمروایی می کرد و اگر کسی به او دختر خطاب می کرد، بشدت تنبیه می شد و به همین علت، تحصیلات او در کلاس های ابتدایی متوقف ماند؛ زیرا مدارس پسرانه از ثبت نام او خودداری می نمودند و پدر و مادر که تازه به خطای خود پی برده بودند، به نصیحت کودک پرداخته و او را که در سنین ده سالگی بود وادار به پوشیدن لباس دخترانه و رفتن به مدرسه دخترانه نمودند، ولی وی که هنوز کودک بیبش نبود، حاضر به تغییر لباس و پوشیدن پوشش دخترانه نشد و حتی چندین بار به قصد خودکشی اقدام به غرق نمودن خود در استخر و رودخانه و پرتاب نمودن خود از پشت بام کرد. تشویقات و تنبیهاتی که به کار رفت، هیچ یک مؤثر واقع نشد. پزشکان نیز از درمان وی درماندند و پدر و مادر به ناچار از فرستادن وی به مدرسه خودداری کردند و او جوانی بی تربیت و بی سواد با پوشش مردانه باقی ماند و برای پسر جلوه دادن خویش در اجتماع به اغوای دختران، که از راز او بی خبر بودند، پرداخت و چندین بار نیز اقدام به ربودن دختران با ماشین خود کرد و هر بار مقامات قضایی محل را در اتخاذ تصمیم دچار سرگردانی نمود و چون در ایران پزشکان قانونی با تغییر جنسیت او مخالفت نمودند، به عنوان گردش به اروپا رفت و در آنجا با عمل جراحی ترمیمی، تخمدان و رحم او را خارج کردند و با مسدود نمودن مهبل و ایجاد دستگاه تناسلی ظاهراً مردانه و تجویز هورمون های جنسی مذکر، او را روانه ایران نمودند. فقدان هورمون های جنسی زنانه بتدریج او را به زنی چروکیده تبدیل کرد؛ درحالی که هنوز در اوج جوانی بود و عدم کارایی هورمون های مردانه نیز روز به روز آشکارتر شد، نومییدی از دست یافتن به قوه مردی و پشیمانی از دست زدن به عمل جراحی بتدریج در او قوت گرفت و با از دست دادن پدر و مادر به مواد مخدر پناه برد و آرامش ناشی از استعمال افیون او را به تفکر در مورد گذشته و جوانی تباه شده خود واداشت و تازه در این هنگام بود که به فکر چاره جویی افتاد و لباس مردانه را از خود دور کرد و زنی کامل عیار شد، ولی افسوس که سپری شدن دوران جوانی و از همه بدتر فقدان دستگاه تناسلی زنانه و برداشتن تخمدان ها، دیگر آب رفته را به جوی باز نمی گرداند و او به صورت خانمی معتاد به مواد مخدر و فردی خنثی، به انتظار مرگ روز خود را می گذرانید، درحالی که ثروت و مکنت باقیمانده از پدر و مادر برای او مفید فایده ای نبود. سرانجام به اینجانب مراجعه نمود و اکنون به توصیه من کودک بی سرپرستی را به فرزندگی قبول کرده و مواد مخدر را ترک گفته و

اوقات خود را صرف تربیت آن کودک می نماید و تنها عشق به آینده این کودک است که او را زنده نگه داشته است، (گودرزی، ۱۳۷۰، ۶۱۳-۶۱۴).

۲-۵. تغییر جنسیت در حیوانات

از مواردی که تغییر در آن اتفاق می افتد، تغییر جنسیت در حیوانات است، گاهی این تغییر به دست بشر رخ می دهد و گاهی هم حیوانات به دلیل عوامل طبیعی تغییر جنسیت می دهند، حالت خارج از مباحث فقهی است، چه این که فقه متکفل احکام شرعی افعال انسان ها می باشد. بنابر این، هر گاه به دلیل عوامل طبیعی حوادثی مانند تغییر جنسیت در حیوانات اتفاق می افتد، بحث فقهی در باره آن بی مورد است، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۶۱).

ولی آنچه به دست بشر اتفاق می افتد و از گذشته های دور هم معمول بوده است، خصا یا اخته کردن حیوانات حلال گوشت بوده است. هدف از این کار، بهبود و افزایش حیوانات حلال گوشت، مانند گوسفند است. موضوع تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نو در در ماهیان هم مشاهده می شود. بنا به گزارش «جیمز ناگلر» زیست شناس تکوینی از دانشگاه آیداهو، ماهی های آزاد شنوک، بزرگترین ماهی های آزاد اقیانوس آرام، سالانه، اقیانوس آرام را به قصد سفر به رود خانه های محل تولد خود ترک کرده و در خلاف جهت رود خانه شنا می کنند. این ماهی های ۴-۶ ساله معمولاً پس از رسیدن به رودخانه در آنجا تخم ریزی کرده و سپس می میرند. طبق جدید ترین مطالعات انجام شده ماهی های ماده یکی از بزرگ ترین جمعیت های تولید مثل کننده ایالت واشنگتن، تغییر داده و زندگی خود را به عنوان ماهی های نر آغاز می کنند، (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۶۱). از نظر زیست شناسی این مسأله کاملاً غیرعادی است و «ناگلر» اعلام کرد که تعدادی از آلاینده ها قادرند جنسیت جنین یا نوزادان نر ماهی شنوک را به ماهی های تغییر دهند که ظاهراً نر هستند، ولی در واقع همانند یک ماهی ماده عمل می کنند، (سرچشمه پور، ۱۳۸۴، ص ۴۲-۴۴).

در روزنامه همشهری در خصوص تغییر جنسیت قورباغه آمده است: «همچنین دانشمندان فهمیده اند که آلاینده های صنعتی می تواند باعث تغییر جنسیت قورباغه شود. پنجاه نفر از پژوهشگران زیست محیطی در پروژه ۳۷۰ میلیون دلاری با این هدف که تمام گونه های قورباغه از خطر انقراض در اثر شهر سازی، افزایش گرمایش زمین و آلودگی صنعتی محافظت شوند. در روند این مطالعات محققان سوئدی دریافتند که قورباغه های که با جنسیت نر متولی شده اند، بعد از مدتی تبدیل ماده شده اند. در این مطالعه مشخص شد که حتی کم ترین مقدار استروژن موجود در بچه قورباغه های یکی از این دو گروه تغییر جنسیت آنها به نوع ماده کافی است» (کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۶۲).

۲-۶. تغییر جنسیت در گیاهان

از جمله موارد که تغییر جنسیت در آن متصور است، تغییر جنسیت در گیاهان است؛ به این صورت که یک درخت یا گیاه نر به یک گیاه ماده و برعکس تبدیل می شود. هر چند که تاکنون شنیده نشده است که گیاهان به طور طبیعی تغییر جنسیت داده باشد، ولی می توان فرض کرد که انسان ها با استفاده از پیشرفت ها علمی تغییراتی را در گیاهان به وجود آورده و گیاه نر را به گیاه ماده و یا برعکس تبدیل کنند. آنچه در عمل بیشتر اتفاق می افتد، تغییرات ژنتیکی گیاهان و یا پیوند میان درختان و گیاهان است که اساساً این امر خارج از بحث تغییر جنسیت است.

تا به امروز فقها در مورد جواز و عدم جواز، تغییر جنسیت در گیاهان سخن نگفته اند، ولی بدون تردید، این عمل جایز بوده که هیچ گونه منعی برای آن وجود ندارد، و انسان ها می توانند بدون هیچ گونه محدودیت و در راستای بهره برداری بیشتر و استفاده هر چه بهتر و بیشتر از گیاهان تغییراتی را از جمله تغییر جنسیت در گیاهان به وجود آورند.

در سال ۱۳۸۶، در برنامه خبری سیمای تلویزیون جمهوری اسلامی ایران این گزارش آمد: برخی از منابع بیان کرده اند که عده ای از متخصصن چینی موفق شده اند با تزریق موادی به درخت سپیدا و بید باعث تغییر جنسیت این درختان شده اند. این منبع خبری توضیح بیشتر در این باره نداده است. یک احتمال این است که منظور از تغییر جنسیت سپیدار و بید، همان معنای مصطلح یعنی تبدیل گیاه نر به ماده و یا برعکس باشد، ولی احتمال دیگر آن است که منظور از تغییر جنسیت تغییرات ژنتیکی است که در گیاه بوجود آمده است، (شبکه خبر، ۱۳۸۶/۱/۳۰؛ کریمی نیا، ۱۳۸۹، ۶۲).

نتیجه گیری

موضوع تغییر جنسیت همان گونه که مورد توجه علم پزشکی، روانشناسی و جامعه شناسی بوده، توجه فقها را نیز به خود جلب کرده است. در آثار فقهای معاصر شیعه، تعاریف متعددی از تغییر جنسیت ارائه شده است، که پس از بررسی نظرات فقیهان شیعه، این تعریف مختار بیان شد: تغییر جنسیت عبارت است از: «عمل جراحی روی اندام تناسلی، که باعث تبدیل یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر، یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی». تغییر جنسیت خود می تواند انواع و اقسام گوناگونی داشته باشد، مثل: ۱. تغییر جنسیت در افراد سالم، بدین صورت که افراد بدون این که مشکل یا بیماری خاصی داشته باشند، تصمیم می گیرند که خود را به جنس مخالف تبدیل کنند؛ ۲. تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت

پنهان؛ ۳. تغییر جنسیت در خنثی ها یا دوجنسی ها (هرمافرودیت) که این عده خود به دو گروه تقسیم می شوند: خنثای مشکل یا دوجنسی کامل و خنثای غیرمشکل یا دوجنسی ناقص؛ ۴. تغییر جنسیت در بیماران اختلال هویت جنسی یا ترنس ها که این عده خود به دو گروه تقسیم می شوند: ترنس مذکر یا مردانی که خود را زن می دانند؛ و ترنس مؤنث یا زنانی که خود را مرد می دانند؛ ۵. تغییر جنسیت در حیوانات؛ ۶. تغییر جنسیت در گیاهان.

منابع

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت، چ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چ اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، سخن، تهران، چ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
۴. بروجردی، آقا حسین، **جامع أحادیث الشیعة**، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چ اول، ۱۳۸۶ ه.ش.
۵. جرجس، معجم المصطلحات الفقهیة و القانونیة، الشركة العالمیة للكتاب، بیروت، چ اول، ۱۹۹۶ م.
۶. حسینی، سید محمد، **فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی**، سروش، تهران، چ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، **تبصرة المتعلمین فی احکام الدین**، مصحح: محمدهادی یوسفی غروی، مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، دانشگاه تهران، تهران، چ دوم، ۱۳۳۷ ه.ش.
۹. سرچشمه پور، زهرا، **بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت**، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۰. سعدی ابو جیب، **القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً**، دار الفکر، دمشق، چ دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۱. صدر، شهید سید محمد؛ **منهاج الصالحین**، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۲. صدر، شهید، سید محمد، **ما وراء الفقه**، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، اول، ۱۴۲۰ ه.ق.
۱۳. صفایی، حسین و اسدالله امامی، **حقوق خانواده**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، امیر کبیر، تهران، چ اول، ۱۳۶۰.

۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، نشر هجرت، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ ه ق
۱۶. کاهانی، علیرضا، اختلال هویت جنسی دگر جنسیت جوها، تهران، تیمور زاده و طیب، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. کریمی نیا، محمد مهدی، **تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق**، مرکز فقهی ائمه اطهار، قم، چ اول، ۱۳۸۹ ه ش.
۱۸. کریمی نیا، محمد مهدی؛ **تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی**، نشر عروج، قم، چ اول، ۱۳۹۱ ه ش.
۱۹. گودرزی، فرامرز، پزشکی قانونی، تهران، انیشتین، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. محسنی، محمد آصف، **الفقه و مسائل الطبیئه**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چ اول، ۱۴۲۴ ه ق.
۲۱. مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی حسینی، **العناوین الفقهیه**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چ اول، ۱۴۱۷ ه ق.
۲۲. مشکینی، میرزا علی، **مصطلحات الفقه**، بی نا، بی جا، بی تا.
۲۳. معلوف، لوئیس، **المنجد فی اللغة**، کتاب عقیق، تهران، چ اول، ۱۳۹۳ ه ش.
۲۴. الموسوی، ابی القاسم علی بن الحسن، **الاتصار فی انفرادات الامامیه**، نجف، حیدریه، ۱۳۹۱ ق.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله، **تحریر الوسیله**، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چ اول، بی تا.
۲۶. مؤمن قمی، محمد، **فقه و احکام پزشکی (ترجمه کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة)**، مترجم: محمد مهدی بهداروند، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چ اول، ۱۳۸۵ ه ش.
۲۷. نیک خو، محمدرضا، **زندگی جنسی زنان**، سخن، تهران، چ دوم، ۱۳۸۰ ه ش.
۲۸. هارولد، کاپلان و سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران، شهر آب، ۱۳۷۹ ش.